

سناریوی سرقت طلاهای مادر بزرگ به قتل ختم

شد

9 مهر 1403

دختر جوانی که با همدستی نامزدش سناریوی سرقت از خانه مادر بزرگ خود را اجرا کرده بود در حالی به تشریح جزئیات این ماجرا پرداخت که در این سرقت مادر بزرگش به قتل رسیده است.

20 شهریور امسال شنیدن صدای فریادهای پیرزن از خانه‌اش توجه همسایه‌ها را جلب کرد، وقتی چند نفر خود را به خانه قدیمی‌دو طبقه پیرزن رساندند مقابل در خروجی با پسر جوانی مواجه شدند که هراسان قصد فرار داشت اما اهالی مانع فرارش شدند و او را دستگیر کردند، در ادامه همسایه‌ها با ورود به خانه پیرزن با جسد دست و پا بسته او در اتاق خواب مواجه شدند.

دقایقی بعد مأموران پلیس با تماس همسایه‌ها به محل رفته و پسر جوان را به کلانتری منتقل کردند، جسد پیرزن نیز که آثار کبودی روی گردنش به چشم می‌خورد به دستور بازپرس جنایی برای مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد.

مأموران در بازرسی از جیب‌های پسر جوان چند انگشتر، گوشواره و گردنبند طلا پیدا کردند و متهم به سرقت از خانه پیرزن با همدستی پسری به نام هومن اعتراف کرد. تحقیقات نشان می‌داد، هومن نامزد نوه مقتول است و قرار بوده بزودی با هم ازدواج کنند. به دستور بازپرس جنایی بلافاصله کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت وارد عمل شده و ابتدا ملیکا؛ نوه مقتول و سپس نامزدش هومن را بازداشت کردند.

متهمان اعتراف کردند، برای تأمین هزینه عروسی‌شان، تصمیم به سرقت طلاهای مادر بزرگ گرفته و برای این کار از دوست هومن کمک خواسته بودند اما پیرزن ناخواسته کشته شد و هومن نیز از پشت بام فرار کرده بود که بعد دستگیر شد.

پدر نامزدم به ما کمک نمی‌کرد

مشاوره تلفنی



سازمان بهداشت و آموزش پزشکی
جمهوری اسلامی ایران



جمهوری اسلامی ایران
سازمان بهداشت و آموزش پزشکی

مرکز تخصصی

مشاوره ازدواج و تحکیم خانواده

حال خوب

سال تأسیس: ۱۴۴۰

شماره: ۵۹۱۰



دکتر رویا درویش پیشه

۰۹۱۰۲۹۰۴۷۵۸

ازدواج و زوج درمانی

مرکز تخصصی

مشاوره ازدواج و تحکیم خانواده

شماره: ۵۹۱ سال تاسیس: ۱۴۰۲

دکتر رویا درویش پیشه

ازدواج و زوج درمانی

****دکتر کبری درویش ییشه**

چه شد که تصمیم به سرقت طلاهای مادر بزرگ گرفتید؟

مگر وضع مالی خانواده نامزدت بد بود؟

چه زمانی نقشه سرقت را طرح کردید؟

نقشه آنها برای سرقت چه بود؟

کی فہمیدی مادر بزرگت کشتہ شدہ است؟

حدود ساعت 12 ظهر بود که مدیرمان صدایم کرد که تلفن با تو کار دارد. هومن بود، گفت مادر بزرگم مرده است، اما باور نکردم. بعد از آن هم از شماره‌های مختلف سه بار با من تماس گرفت. قرار قتل نبود، فقط می‌خواستیم طلاهای او را سرقت کنیم. حال خوبی نداشتم و ساعتی بعد پلیس زنگ زد و از من خواست به کلانتری بروم، در آنجا بازداشت شدم و زمانی که به اداره آگاهی منتقل شدم، هومن هم بازداشت شده بود.

ظاهراً هومن قصد خروج از کشور را داشته است؟

من هم اینطور شنیدم که او پاسپورتش را برداشته و در تماس با مادرش گفته بود به ترکیه می‌رود، اما قبل از اینکه فرصت کند از تهران خارج شود، دستگیر شد.

مرضیه همایونی